

دوفصلنامه تاریخ ادبیات، نشریه علمی
دوره سیزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
شماره پیاپی: ۸۴/۲، نوع مقاله: علمی- پژوهشی

• دریافت ۹۹/۰۹/۱۵

• تأیید ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

بررسی تحلیلی انتقادی مقالات کلیله پژوهی (۱۳۰۰-۱۳۹۴ ش)

محسن محمدی فشارکی*

مژگان احمدی**

چکیده

کتابشناسی‌ها از آن جهت که در نمایاندن وجوه کمی و کیفی پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع و زمینه‌ای خاص، بسیاری موارد پژوهشگران را به کار می‌آید، امری مفید و ضروری به نظر می‌رسد. مقاله حاضر نیز، به روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی و ارزیابی کیفی مقالات نگارش یافته درباره کلیله و دمنه بهرامشاهی در ادوار مختلف و نیز بیان موضوعات بدیع، پرتکرار و مغفول مانده در این زمینه می‌پردازد؛ بدین منظور نخست به گردآوری دویست و نود و نه مقاله پرداختیم که در پیوند با کلیله و دمنه بهرامشاهی و در فاصله زمانی ۱۳۰۰-۱۳۹۴ ش. به زبان فارسی نگاشته و یا ترجمه شده است و پس از بررسی کمی این مقالات در ادوار مختلف، به نقد محتوایی آنها پرداخته‌ایم. بررسی‌ها نشانگر آن است که میان کمیت و کیفیت پژوهش‌ها تناسبی وجود ندارد. همچنین موضوعاتی نظیر: زیباشناسی، نسخه‌شناسی، جنبه‌های فرهنگ و ادب عامیانه و برخی اثرپذیری‌ها مورد اقبال محققان قرار نگرفته است.

کلید واژه‌ها:

کتابشناسی، کلیله و دمنه، نثر فنی، نصرالله منشی، نقد ادبی.

m.mohammadi@ltr.ui.ac.ir
mozhi.91.ah@gmail.com

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)
** دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

Abstract

An Analytical- Critical Review of Articles and Researches on Kalila and Dimna (1921-2015)

Mohsen Mohammadi Fesharaki*
Mozhgan Ahmadi**

Preparation a descriptive- analytical bibliography in order to determine the quantitative and qualitative aspects of conducted researches in specific field seems to be essential as they can be useful for researchers. The purpose of this study is to investigate not only the quality of approach to Kalila and Dimna of Bahram Shahi in different periods but also the qualitative examination of related articles. Moreover, this study tries to determine the new, repetitive and overlooked topics in this field. For this reason, first of all, we collected 299 articles which are about Kalila and Dimna of Bahram Shahi in Persian or other languages from 1921 to 2015. Subsequently, we made the content criticism of them after we got the glimpse at the quantity of these articles in different periods. The outcomes of this study confirm that not only there is no proportionality between the quantity and quality of the researches but also the subjects such as aesthetics, codicology, aspects of folk culture and literature and some effects have not been considered by researchers.

Keywords: Bibliography, Kalila and Dimna, Technical Prose, Nasrolah Monshi, literary Criticism.

* Associate Professor of Persian Language and Literature. Department of Isfahan University. Isfahan. Iran. (Corresponding Author) m.mohammadi@ltr.ui.ac.ir

** PhD Candidate of Persian Language and Literature of Isfahan University. mozhi.91.ah@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از آثار شاخص و ارزشمند ادبی، کلیله و دمنه است. اثری که از بدو تولد و در تمامی ادوار مورد اقبال قرار گرفته، به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در طول حیات خود منشأ تحولات ادبی بسیاری بوده است. از جمله معروف‌ترین ترجمه‌های فارسی این کتاب، کلیله بهرامشاهی است که سرآغاز تحولاتی بنیادین در نثر فارسی شد و به عنوان یک اثر موفق، بارها مورد اقتباس و بهره‌مندی قرار گرفت.

تهیه کتابشناسی توصیفی-تحلیلی در پیوند با آثاری که تا بدین حد مورد اقبال قرار گرفته اند، متضمن فواید بسیاری است؛ از جمله آنکه با نمایاندن کیفیت پژوهش‌ها، یاری‌گر محققان و محصلان می‌شود. نمایاندن جنبه‌های ناشناخته و مغفول مانده نیز از دیگر کارکردهای این کتابشناسی‌هاست.

سابقه تهیه کتابشناسی توصیفی کلیله و دمنه به سال ۱۳۹۴ می‌رسد. در بهمن‌ماه این سال، در هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، مقاله‌ای تحت‌عنوان «کتابشناسی کلیله و دمنه در زبان فارسی» ارائه شد و همین مقاله مجدداً در سال ۱۳۹۵ در نشریه «آینه پژوهش» به چاپ رسید. البته با تصرفاتی جزئی در محتوای مقاله و تصرفاتی کلی در نام نگارندگان آن! اگرچه نبودن اثری که معرف کم و کیف پژوهش‌های حوزه کلیله پژوهی باشد، یکی از خلأهای تحقیقات ادبی تا آن زمان بود، اما این پژوهش نیز برائتر کم‌دقتی مؤلفان از کاستی‌های بسیاری رنج می‌برد. از جمله مهم‌ترین آن‌ها عدم جامعیت و مانعیت، ابهام در بازه زمانی و موضوع بود. همین امر ما را بر آن داشت تا نخست کتابشناسی جامعی از کلیله و دمنه بهرامشاهی تهیه نماییم. پژوهش پیش رو متضمن تحلیل انتقادی دویست و نودونه مقاله کتابشناسی مذکور است.

۲. پیشینه پژوهش

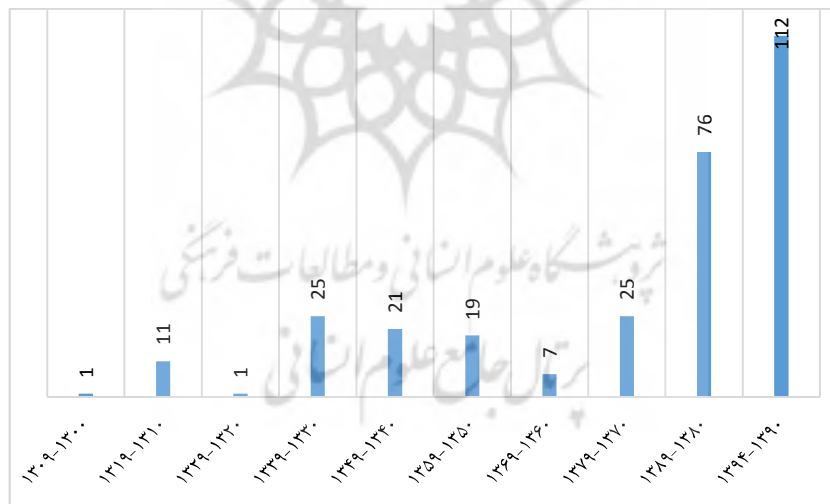
تهیه کتابشناسی در انواع مختلف، سابقه‌ای بس طولانی دارد. یکی از این انواع، کتابشناسی‌های تحلیلی-انتقادی است که با هدف معرفی تحقیقات صورت گرفته در پیوند با اثری خاص، سال‌هاست که مورد توجه محققان است. کاووس حسنی، مقدم بر دیگران و آغازگر این راه است. وی تحلیل انتقادی آثار در پیوند با سعدی را با عنوان «فرهنگ سعدی پژوهی» به چاپ رساند. همچنین «کارنامه تحلیلی خیام پژوهی» نیز در زمره دیگر تحقیقات وی در این باب است. پس

از حسنی دیگر محققان نیز به تهیه این گونه کتابشناسی‌ها پیرامون شخصیت‌ها و موضوعات ادبی نظیر: نظامی، خاقانی و... پرداخته و در قالب کتاب و مقاله ارائه نموده‌اند. شرح تفضیلی این گونه آثار در مقاله «بررسی انتقادی مقالات علمی پژوهشی با موضوع شخصیت و...» (۱۳۹۶) آمده است و برای اجتناب از اطاله کلام، از یادکرد مجدد آن چشم‌پوشی می‌نمایم.

۳. مباحث اصلی مقاله

۳-۱. تحلیل زمانی

پژوهش در باب کلیده‌ودمنه و انتشار آن در قالب مقاله به سال ۱۳۰۴ شمسی بازمی‌گردد. عبدالرحمان فرامرزی نخستین بار مقاله‌ای در پیوند با کلیده‌ودمنه به چاپ رساند. مقاله او ترجمه مقدمه محمد المرصفی بر کلیله عربی چاپ بیروت است. اما بدین امر اشاره‌ای ندارد. از این رو می‌توان محمد فرزانه را نخستین محقق دانست که در سال ۱۳۱۵ به انتشار مقاله در زمینه کلیله بهرامشاهی پرداخته‌است. در ادامه، تعداد مقالات هر دهه در قالب نمودار آمده است و پس از آن به بررسی رویکرد محققان در هر یک از ادوار خواهیم پرداخت.



تنها مقاله انتشار یافته در دهه نخست (۱۳۰۰-۱۳۰۹) مقاله عبدالرحمان فرامرزی است که به تطور تاریخی کلیده‌ودمنه پرداخته است. رویکرد تاریخی به کلیله بهرامشاهی از موضوعات

پرسامد است. در بخش تحلیل موضوعی به بررسی کیفی هریک از این پژوهش‌ها خواهیم پرداخت.

در دهه دوم (۱۳۱۰-۱۳۱۹) فرزانه دقیق‌النظر یکه‌تاز عرصه کلیله‌پژوهی است. تحقیقات محمد فرزانه با عنوان «کلیله‌و‌دمنه بهرامشاهی» و در حوزه نقد است. او در تعدادی از مقالاتش به نقد ناسخان کلیله و در تعدادی دیگر به ارزیابی ترجمه ابوالمعالی پرداخته است. افزون بر آن تعدادی دیگر از این مقالات سلسله وار به نقد تصحیح قریب اختصاص یافته است. او انتشار این مقالات را در ادوار بعد و با عناوینی دیگر ادامه داده است.

تنها مقاله دهه سوم (۱۳۲۰-۱۳۲۹) نیز حاصل قلم محمد پروین گنابادی است. او برای نخستین بار نگاهی سبک‌شناسانه به کلیله بهرامشاهی دارد.

دهه چهارم (۱۳۳۰-۱۳۳۹) از ادوار مهم کلیله‌پژوهی است. چراکه در دهه سی تنوع در رویکرد به کتاب کلیله آغاز می‌شود. نقد و سیر تاریخی کلیله که پیش‌از این نیز مسبوق بود، همچنان ادامه می‌یابد؛ به طوری که از مجموع بیست‌وپنج مقاله انتشار یافته در این دوره، چهارده مقاله به نقد و پنج مقاله به تاریخ کلیله پرداخته‌اند. فرزانه و احمد خراسانی از منتقدان این دهه‌اند. اقبال به عربیات کلیله و همچنین تطابق این اثر با آثار ادبی دیگر ملل نیز در این دهه آغاز می‌شود. از دیگر رویدادهای مهم این دوره، انتشار مقالات محمدجعفر محجوب است. وی ماحصل آنچه را که پایان‌نامه دوره کارشناسی خود می‌خواند، در مجله «فرهنگ ایران زمین» با عنوان «کلیله‌و‌دمنه» و «درباره کلیله‌و‌دمنه» به چاپ می‌رساند. وی پس‌از آن در سال ۱۳۴۹ این سه مقاله را به صورت کامل‌تر و در قالب کتابی با عنوان «درباره کلیله‌و‌دمنه» به چاپ رساند.

دهه پنجم (۱۳۴۰-۱۳۴۹) نیز از ادوار مهم کلیله‌پژوهی است. مجتبی مینوی در این دهه تصحیح منقحی از کلیله بهرامشاهی را به چاپ می‌رساند. تصحیحی که در ادوار بعد بارها مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد. گذشته از سیزده مقاله احمد مهدوی‌دامغانی که به بررسی مآخذ و سرایندگان ابیات عربی کلیله اختصاص یافته، دیگر مقالات این دهه بیشتر نگاهی تطبیقی و تاریخی به کلیله‌و‌دمنه دارند و البته برای نخستین بار به تطابق ترجمه‌های گوناگون پرداخته می‌شود. (ر.ک: مشکور، ۱۳۴۱)^۱

در دهه ششم (۱۳۵۰-۱۳۵۹) نیز محققان با رویکردهای گوناگون به کلیله پرداخته‌اند. اما همچنان تاریخ کلیله‌و‌دمنه در صدر این پژوهش‌هاست. به نحوی که یک‌چهارم مقالات این دوره (پنج مقاله) بدان اختصاص یافته است. از تازه‌های این دوره می‌توان به مقایسه کلیله با دیگر آثار

ادب فارسی اشاره کرد که البته همه آن‌ها به مثنوی مولوی نظر داشته‌اند. (ر.ک: ترابی،^۲ ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳؛ سلماسی‌زاده،^۳ ۱۳۵۷)

دیگر وجه تازه پژوهش‌های این دهه، مربوط به حوزه ادبیات داستانی است. محمدعلی جمالزاده سلسله مقالاتی با عنوان «فابل در ادب فارسی» به چاپ می‌رساند و شماره‌هایی از آن را به کلیله اختصاص می‌دهد. (ر.ک: جمالزاده،^۴ ۱۳۵۲)

در اندک پژوهش‌های دهه هفتم (۱۳۶۰-۱۳۶۹) نقد تصحیح مینوی رواج دارد. (سه مقاله). نگاه نو به کلیله‌و دمنه از ویژگی‌های بارز مقالات این دهه است. گذشته از مقاله ممتاز مجتبابی (۱۳۶۳) که البته آغاز آن به ادوار قبل بازمی‌گردد، دیگر محققان از مناظری تازه نظیر: واژه‌شناسی، هنر و اخلاق به کلیله روی آورده‌اند. (ر.ک: آجودانی،^۵ ۱۳۶۳؛ پورجوادی،^۶ ۱۳۶۷؛ زرین کوب،^۷ ۱۳۶۳)

دهه هشتم (۱۳۷۰-۱۳۷۹) اگرچه آغازگر رشد کمی مقالات است، اما تنوع موضوعی در این پژوهش‌ها دیده نمی‌شود. از مجموع بیست‌وشش مقاله این دوره، ده مقاله در زمینه تاریخ کلیله‌و دمنه نگاشته شده است و پس از آن معرفی گزارشی آثار در پیوند با کلیله رواج دارد. دهه نهم (۱۳۸۰-۱۳۸۹) دهه ای متفاوت از ادوار قبلی است. تعداد مقالات مرتبط با کلیله نسبت به دهه قبل سه برابر می‌شود و به هفتادوهفت مورد می‌رسد.

در این دهه مقایسه کلیله‌و دمنه با دیگر آثار ادب فارسی نظیر: شاهنامه فردوسی، حدیقه سنایی، هزارویک‌شب و... بسیار رواج یافت. (شانزده مقاله). اما مقایسه کلیله با مرزبان‌نامه و مثنوی مولانا غالب بر دیگر آثار است. افزون بر آن، مباحث تاریخی کلیله‌و دمنه نیز همچنان مورد اقبال بوده است. یکی از ویژگی‌های محققان این دهه تأمل در باب جنبه‌هایی از کلیله است که تا پیش از آن مغفول مانده بود. از جمله آن‌ها نگاه به وجوه سیاسی کلیله‌و دمنه است. (نه مقاله). جای خالی این‌گونه پژوهش‌ها را نخستین بار محبوب در مقدمه کتاب خود گوشزد کرد. (محبوب، ۱۳۹۵: ۹) اما تا پیش از این دهه مورد اقبال قرار نگرفت و این شاید به سبب آن باشد که پذیرش کتاب کلیله‌و دمنه به‌عنوان یک اثر ادبی و داستانی باورپذیرتر بوده تا یک اثر سیاسی و یا کاربرد سیاسی این اثر در دنیای فعلی محل تردید بوده است و این در حالی است که نکات سیاسی مذکور در این کتاب متضمن اصولی است که هیچ‌گاه رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد.

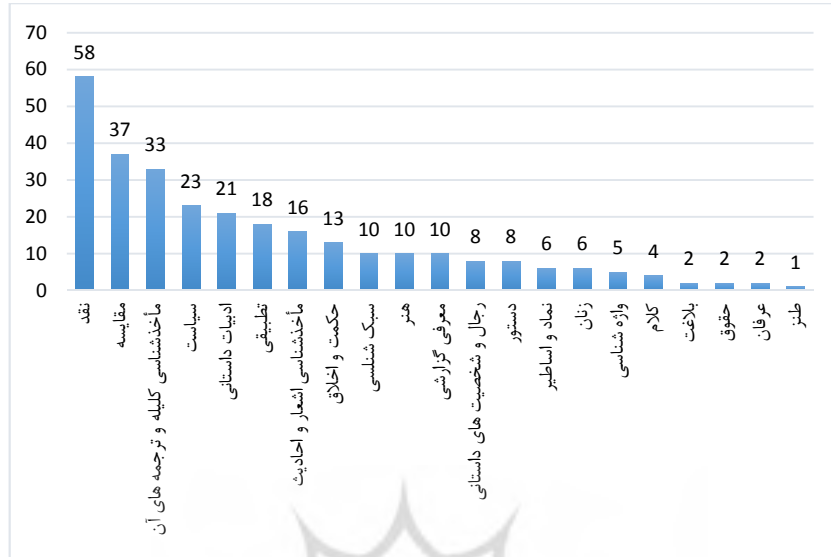
نوع نگاه کلیله به زنان، ویژگی‌های دستوری، مباحث حقوقی و کلامی، بررسی کلیله بر اساس نظریه‌های ادبی و روان‌شناختی از دیگر پژوهش‌های بدیع این دوره است.

و سرانجام چهار سال ابتدایی دهه نود به لحاظ کمیّت، سرآمد همه ادوار گذشته است. برپایی همایش‌های گوناگون بیش از همه، در رشد کمیّ مقالات این دوره اثرگذار بوده است. بررسی مضامین عرفانی و طنز کلیله و ارزیابی یکی از بازنویسی‌های این اثر از تازه‌های این دوره است. در این چهار سال محققان بیش از همه درصدد تطابق کلیله با آثار ادبی ایران و دیگر ملل بوده‌اند. در شانزده مقاله، کلیله با هفت اثر ادب فارسی مقایسه می‌شود. سندباد نامه، ادب نامه حکیم نزاری و اشعار ابوالفرج رونی از موارد جدید این‌دست از پژوهش‌هاست. اما همچنان محققان به مرزبان نامه و مثنوی مولانا اقبال بیشتری داشته‌اند. در زمینه ادبیات تطبیقی نیز تطابق کلیله با آثار کریستین اندرسون، جورج اورول و داستان‌های عامیانه کره‌ای از موارد بدیع است. اما تطابق ترجمه‌های کلیله بیشتر مورد توجه بوده است. همچنین بررسی نظریه‌های ادبی، وجوه سیاسی و داستانی این اثر نیز بسیار متداول بوده است.

۳-۲. تحلیل موضوعی

دسته‌بندی موضوعی مقالاتی که در ارتباط با کلیله بهرام شاهی نگاشته شده‌اند، با دشواری‌هایی همراه بود. نمونه‌ای از این دشواری‌ها در باب مقالاتی است که وحدت موضوع ندارند؛ برای مثال در مقاله «داروی جان» به موضوعات مختلفی نظیر: مسائل اجتماعی، فرهنگ عامه، حکمت و وعظ در کلیله‌و دمنه و... پرداخته شده است.

تعدادی دیگری از مقالات به لحاظ محتوایی در دودسته قرار می‌گرفتند؛ برای مثال مقاله «بررسی تطبیقی ویژگی‌های زنان در دکامرون با سندباد نامه و کلیله‌و دمنه» هم در دسته‌بندی تطبیقی قرار می‌گیرد و هم در دسته زنان. در این موارد موضوع غالب لحاظ شده است. هرچند در مورد پاره‌ای از پژوهش‌ها این راهکار نیز کارساز واقع نشد و اندکی اغماض در این باب لازم آمد. در ادامه توزیع موضوعی مقالات در قالب نمودار خواهد آمد و پس از آن به جهت محدودیت صفحات، موضوعات پربسامد مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهند گرفت.



۳-۲-۱. مآخذشناسی کلیله و ترجمه‌های آن

قرار دادن مقالات مآخذشناسی کلیله و ترجمه‌های آن در یک دسته، به جهت همگامی این دو موضوع در بیشتر پژوهش‌هاست. این‌گونه مسائل در تمامی ادوار دغدغه پژوهشگران بوده است. به طوری که از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۴، در غالب دهه‌ها مقالاتی در این زمینه به نگارش درآمده و یا ترجمه شده است. همچنین بیشتر پژوهش‌های ترجمه‌شده در باب کلیله نیز بدین موضوع اختصاص دارد. در جدول ذیل چگونگی اقبال بدان دردهه‌های مختلف آمده است:

تعداد	دهه
۱ مورد	۱۳۰۰ - ۱۳۰۹
۰	۱۳۱۰ - ۱۳۱۹
۰	۱۳۲۰ - ۱۳۲۹
۵ مورد	۱۳۳۰ - ۱۳۳۹
۳ مورد	۱۳۴۰ - ۱۳۴۹
۵ مورد	۱۳۵۰ - ۱۳۵۹
۰	۱۳۶۰ - ۱۳۶۹
۶ مورد	۱۳۷۰ - ۱۳۷۹
۱۱ مورد	۱۳۸۰ - ۱۳۸۹
۲ مورد	۱۳۸۰ - ۱۳۸۹

برای گذر از سیر تاریخی کلیده و دمنه، پژوهش‌های محمدجعفر محجوب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان آن را نقطه عطفی در بررسی سرگذشت این کتاب به شمار آورد. مقالاتی که پیش از محجوب در این زمینه به نگارش درآمده، متضمن اظهارنظراتی است که به واسطه تأملات پژوهشگران ادوار بعد از درجه اعتبار ساقط شده است؛ نمونه آن اشاره به فقدان ترجمه قدیم سریانی کلیده است و یا برخی دیگر باب «بازجست کار دمنه» را از باب‌های هندی کلیده دانسته‌اند و مهم‌تر آن که در اذهان غالب محققان اقدم، پنجه تتره دقیقاً معادل کلیده بوده و نه یکی از مآخذ آن. از این رو تاریخ پیدایش این دو اثر را یکی پنداشته و برزویه نیز مترجم پنجه تتره دانسته شده و نه خالق کلیده. این اندیشه غفلت از مه‌بهاراتا را به عنوان دیگر مآخذ هندی کلیده در پی داشته است و تنها در مقاله «افسانه‌های ادبیات هندی و کلیده و دمنه» بدان اشاره می‌شود؛ تا این که محجوب چگونگی پیدایش کلیده را به خوبی در پژوهش‌های خود تشریح می‌کند و به اصلاح این باور غلط می‌پردازد: «کتابی به نام کلیده و دمنه به دست ایرانیان تألیف و به دنیا معرفی شده است.» (محجوب، ۱۳۹۵: ۱۷) اما جای بسی تأسف است که علی‌رغم تلاش‌های محجوب در تبیین چگونگی پیدایش کتاب کلیده و دمنه هنوز هم برخی پژوهشگران کلیده را اثری هندی و برزویه را مترجم آن دانسته‌اند!

مراد نگارندگان از آنچه تا بدین جا ذکر شد، انکار ارزش همه مقالات پیش از محجوب و تأیید کامل مقالات پس از او نیست. واقعیت این است که هیچ‌یک از این سی‌وسه مقاله به تنهایی برای آگاهی از سیر تاریخی کلیده بسنده به نظر نمی‌رسد. برای رسیدن به شناختی کامل در این زمینه باید مقالات محجوب را به عنوان شالوده بحث در نظر داشت. (ر.ک: محجوب، ۱۳۳۶ و ۱۳۳۸ و ۱۳۴۱)^۸ اما از آنجا که تحقیقات وی قدمتی شصت‌ساله یافته، بازنگری در آن ضرورت دارد. بخشی از این بازنگری‌ها شامل مباحث تاریخی است که یا مغفول مانده و یا به واسطه تحقیقات بعدی نیازمند جرح و تعدیلاتی است. از این رو برخی از مقالاتی را که پیش و یا پس از محجوب به نگارش درآمده باید به عنوان تکمله تحقیقات وی در نظر داشت و از این میان مقالات «کلیده و دمنه» (۱۳۵۲)، «داستان‌های هندی و بودائی...» (۱۳۹۴)، «افسانه‌های ادبیات هندی و...» (۱۳۳۸)، «درباره ترجمه قدیم سریانی...» (۱۳۸۶) و «نگاهی اجمالی به نخستین ترجمه‌های...» (۱۳۸۱) بیشتر اهمیت دارد؛ برای مثال فتح‌الله مجتبابی معتقد است متنی که اساس ترجمه پهلوی قرار گرفته، به زبان «پراکریت» بوده و نه سنسکریت. (ر.ک: مجتبابی، ۱۳۹۴) همچنین توضیحات محجوب درباره ترجمه‌های کلیده و دمنه با آنچه دوبلوا

فرانسوا در این باب می گوید، تفاوت‌هایی دارد و نیازمند آن است که صحت و سقم هر یک از آن‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. (ر.ک: دوبلوا، ۱۳۸۱)

یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخی کلیده، سفر برزویه به هند و چگونگی دستیابی او به کتاب‌های هندی است. محبوب قول برزویه مبنی بر دشواری‌های این کار را تأیید کرده و در این زمینه نیز به قول ابوریحان بیرونی در ماللهند دربارهٔ خست هندوان در انتشار آثار علمی و ادبی خویش استناد می‌کند. (محبوب، ۱۳۹۹: ۳۸) در مقابل مجتبایی قول برزویه دربارهٔ این دشواری‌ها را رد می‌کند و معتقد است از آنجاکه تحریرهای مختلفی از آن در هندوستان موجود بوده «نیازی بدان نبوده است که کسی آن را با آن‌گونه شیوه‌های افسانه‌آمیز از خزائن ملوک هند پنهانی به دست آرد» (مجتبایی، ۱۳۷۴: ۸). در این باره می‌توان نظر این دو محقق را با یکدیگر تلفیق نمود؛ یعنی با وجود تداول روایت‌های گوناگون پنجه‌تنتره در هند با توجه به قول ابوریحان، این دسترسی برای برزویه به‌عنوان فردی بیگانه و غیر هندی دشوار بوده است؛ اما مسأله «خزانهٔ هند» در این ماجرا مبهم است و شاید برزویه به‌قصد پررنگ جلوه دادن اهمیت کتاب و نحوهٔ دستیابی بدان، آن را به خزانهٔ ملوک هند نسبت داده باشد. همچنین نمونه‌ای از موارد مغفول مانده «داستان‌های بیدپای» است که جای خالی آن به‌عنوان روایتی از کلیده در پژوهش‌های محبوب و دیگر محققان هویداست. بخش دیگر از این بازنگری‌ها در نقد نظرات و استدلالات شخصی اوست؛ به عبارت دیگر برخی از اقوال وی مبهم و سؤال‌برانگیز است و از آنجایی که همیشه از آن به‌عنوان یگانه پژوهش ارزشمند درزمینهٔ کلیده و دمنه یاد می‌شود، به نظر می‌رسد همین امر دیگران را به سکوت و اغماض دربارهٔ آن واداشته است. در ادامه و

متناسب با فحوای کلام به مواردی از این دو بازنگری مهم و اساسی اشاره خواهیم نمود. نمونه‌ای از این موارد ترجمهٔ تبتی کلیده است که برخی از مقالات اقدم بدان اشاره دارند، (ر.ک: فرامرزی، ۱۳۰۴؛ غ. واثق، ۱۳۳۲؛ میرحسن شاه (مترجم)، ۱۳۵۰) اما در تحقیقات بعدی ذکری از آن نیست. قول این محققان در مورد تاریخ پیدایش ترجمه تبتی یکسان نیست. غ. واثق تاریخ پیدایش آن را هم‌زمان با ترجمهٔ سریانی بُد ذکر کرده و میرحسن شاه نیز مدعی است مأخذ آن اصل سنسکریت بوده است و شرح مقالهٔ فرامرزی در این باب مبسوط ولی ابهام برانگیز است. او این ترجمه را نخستین ترجمه کلیده معرفی کرده که قسمتی از آن به دست یکی از مستشرقین افتاده و آن‌ها بر اساس دلایل و قرآینی دریافته اند قدمت این ترجمه بیش از ترجمهٔ پهلوی کلیده است. متأسفانه هیچ ذکری از نام این مستشرق، متن مورد بررسی شده و دلایل او

نیست. اگر ترجمه تبتی قدمتی بیش از ترجمه پهلوی داشته باشد، نمی‌توان آن را ترجمه‌ای از کتاب کلیله و دمنه دانست. در کتاب «درباره کلیله و دمنه» نیز ذکر این ترجمه تنها در ضمن نقل قولی از مقاله «مثنوی و مثنوی‌گویان» محمدعلی تربیت آمده است (محبوب، ۱۳۹۵: ۴۴) و خود محبوب بدان اشاره‌ای ندارد. او در رد نظر دوساسی^{۱۱} درباره ترجمه ارمنی کلیله، به قول محمدعلی تربیت در مقاله مذکور استناد می‌کند و می‌گوید: «با اطلاعی که شادروان تربیت از تحقیقات دانشمندان اروپائی داشته، نوشته وی خالی از اعتبار نیست.» (همان، ۵۹). اگر این قول محبوب را به تمام ترجمه‌های مذکور توسط محمدعلی تربیت تعمیم دهیم، همچنین اشاره بدین ترجمه در کتاب «محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی» نفیسی و مقالات مذکور را نیز در نظر داشته باشیم، می‌توان به تداول باور به وجود چنین ترجمه‌ای در سال‌های نخستین سده چهارده پی برد. اینکه باور به وجود چنین اثری بر چه مبنایی بوده و چه عاملی سبب رد این عقیده در ادوار بعدی شده، یکی از نقاط تاریک در تاریخ کلیله پژوهی است.

برخی از تأملات محبوب نمایانگر دقت و تعمق او در شناخت سیر تاریخی کلیله است. اما در پاره‌ای از این موارد مسامحاتی نیز به چشم می‌خورد که نیازمند بازنگری است؛ نمونه‌ای از این مسامحات در تبیین ترجمه بلعمی و رودکی است. محبوب دو هدف را در این بخش دنبال می‌کند: نخست اثبات وجود ترجمه بلعمی و سپس مآخذشناسی ترجمه رودکی. او در مورد هریک از آن‌ها به ابیاتی از شاهنامه فردوسی استناد می‌کند و به نظر می‌رسد در گزینش ابیات دچار اشتباهاتی شده است. چنانچه در اثبات وجود ترجمه بلعمی به بیت:

پیوست گویا پراکنده را بسفت این چنین درآکنده را

استناد کرده و می‌گوید: «فردوسی تصریح می‌کند که رودکی سخنان پراکنده (منثور) را به هم پیوست...» (همان: ۸۳) درحالی که در اثبات ترجمه بلعمی می‌بایست این ابیات شاهنامه را در نظر داشت:

گران‌مایه بوالفضل دستور او که اندر سخن بود گنجور او...

در باب مآخذشناسی کلیله رودکی نیز محبوب سه فرضیه مطرح می‌کند: نسخه پهلوی، عربی و یا بلعمی. او در رد فرضیه نسخه پهلوی قاطع است. اما بازم در گزینش بیت شاهنامه برای اثبات قولش تساهل نموده و به جای بیت: به تازی همی بود تا گاه نصر... به بیت: کلیله به تازی شد از پهلوی ... استناد می‌کند. اشارات او در باب دو فرضیه دیگر نیز دوپهلوی به نظر

می رسد و در طی سه جمله متناقض، گاهی ترجمه عربی و گاهی ترجمه فارسی را مأخذ ترجمه رودکی دانسته است:

۱. نظر نخست وی در این زمینه در لابه لای بحث در اثبات وجود ترجمه بلعمی آمده است: «فردوسی تصریح می کند که رودکی سخنان پراکنده (منثور) را به هم پیوست... بدین ترتیب به خوبی روشن است که ترجمه فارسی کلیده و دمنه به رودکی برای نظم کردن عرضه شده است.» (همان: ۸۳) بر این اساس از آنجایی که کلیده ابن مقفع نیز منثور بوده، احتمال اینکه مأخذ رودکی باشد، رد نمی شود. شاید این جابه جایی به عمد و برای کمرنگ جلوه دادن تردید محجوب درباره مأخذ رودکی بوده است. چراکه او درباره اینکه مترجم کلیده بلعمی خود ابوالفضل بلعمی بوده یا دیگری نیز دچار تردید است و همین تردید نیز او را به اظهار نظراتی متناقض و پراکنده سوق داده است و به جهت اجتناب از اطاله کلام از ذکر آن صرف نظر می شود.

۲. در صفحات بعدی و با استناد به بیت:

گزارنده ای پیش بنشانند همه نامه بر رودکی خواندند

می گوید: «به احتمال قوی کلیده در دربار نصر بن احمد سامانی از عربی به فارسی ترجمه شده است.» (همان: ۸۶) گذشته از کاربرد عبارت دو پهلوی «کلیده دربار نصر بن احمد سامانی» که متضمن ترجمه بلعمی و رودکی است، استناد محجوب به مقدمه شاهنامه ابومنصوری به عنوان سندی قطعی و معتبر نیز خالی از اشکال نیست. در این مقدمه درباره کلیده رودکی فقط یک عبارت مبهم آمده است: «رودکی را فرمود تا به نظم درآورد» (همان)؛ اما درباره اینکه چه چیزی را؟ حرفی به میان نیامده است. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که برخی از محققان نظیر ذبیح الله صفا و جمالزاده، واژه «گزارنده» در بیت مذکور را در معنی «خواننده» و دال بر نایبایی رودکی در هنگام نظم کلیده دانسته اند. (صفا، ۱۳۹۲: ۳۷۹) بر اساس نظر محجوب رودکی عربی نمی دانسته و نیاز به مترجم داشته است. در حالی که اگر در آن تاریخ ترجمه بلعمی در دسترس بوده است، اجتناب رودکی در استفاده از آن با توجه به عربی ندانستنش، چه دلیلی می توانسته داشته باشد؟ با توجه به روابط حسنه آن دو نیز این بی توجهی بعید می نماید. بر این اساس به نظر می رسد بیت مذکور بیشتر دال بر نایبایی رودکی باشد تا عربی ندانستنش.

۳. در نتیجه گیری محجوب در انتهای بحث آمده است: «رودکی به طور قطع از روی متنی به

زبان فارسی کلیده و دمنه را به نظم درآورده است.» (همان)

همچنین پیش از محجوب نیز مأخذشناسی ترجمه بلعمی، رودکی و حتی ابوالمعالی در برخی

از این مقالات محل تأمل قرار گرفته با این تفاوت که اظهار نظر آن‌ها در این باب مستدل نیست و گویا صحت آن را امری بدیهی می‌پنداشته‌اند؛ برای مثال دیگر محققان در مترجم دانستن ابوالفضل بلعمی تردیدی نداشته‌اند. (ر.ک: میرحسن شاه، ۱۳۵۰؛ حسنین، ۱۳۳۲) و یا مأخذ کلیله رودکی را ترجمه بلعمی می‌دانند. (ر.ک: غ. واثق، ۱۳۳۲، حسنین، ۱۳۳۲) همچنین حسنین مأخذ ترجمه ابوالمعالی را ترجمه بلعمی دانسته و از این رو عمل ابوالمعالی را نه ترجمه، بلکه تنظیم و آرایش کار بلعمی می‌داند. دیگر محققان نیز در باب مأخذ ابوالمعالی تردیدی ندارند و تنها محمد غفرانی در مقاله «نصوص ناشناخته از کتاب...» مدعی است اختلاف کلیله بهرام شاهی و کلیله عربی ناشی از تعدد نسخه‌های کلیله ابن مقفع است و بی‌شک کلیله بیش از یک‌بار توسط ابن مقفع و دیگران از پهلوی ترجمه شده است. اما هیچ‌گاه این عقیده توسط دیگر محققان مورد توجه و ارزیابی قرار نگرفته و در مقایسه‌های صورت گرفته میان کلیله فارسی و عربی این بی‌توجهی بیشتر نمایان است.

سه مقاله با رویکردهای گوناگونی به باب برزویه پرداخته‌اند و محبوب این بار نیز اقدام محققان است. مقاله او با عنوان «باب برزویه افسر خرد...» (۱۳۷۷) متضمن نکته‌ای تحقیقی درباره این باب نیست و فقط بر اهمیت آن تأکید دارد. بخش زیادی از مقاله او به ذکر متن باب برزویه اختصاص یافته که غیر ضرور و ملال‌آور می‌نماید. اما سخن پایانی محبوب جبران تمام آن ملالت‌هاست: «گناه اصلی ابن مقفع این بود که بیشتر و بهتر از همه - همه کسانی که زبان مادری‌شان عربی بود - عربی می‌دانست و بهتر از همه می‌نوشت و این دانش خود را به تمام و کمال در راه حفظ آثار فرهنگی ایران زمین به کار می‌برد.» (همان: ۲۶۵)

حسن انوری در مقاله‌ای جالب توجه به ارزیابی نظر ابوریحان بیرونی درباره نویسنده باب برزویه می‌پردازد. (ر.ک: انوری، ۱۳۷۹) ابوریحان در این باره گفته است که باب برزویه را ابن مقفع به کلیله افزوده و قصد او آن بوده که ذهن مردم را برای قبول دین مانی آماده سازد. با دقت نظر در قول بیرونی می‌توان آن را به دو ادعا تقسیم نمود: نخست استناد نگارش باب برزویه به ابن مقفع و دوم استناد مانویت بدو. انوری قول بیرونی را با شش دلیل تأیید و با چهار دلیل دیگر مردود دانسته است. از مجموع شش دلیل ایجابی انوری، یک دلیل مربوط به جایگاه علمی ابوریحان، دو دلیل در تأیید مانویت ابن مقفع و سه دلیل دیگر در تأیید استناد باب برزویه به اوست. سه مورد از دلایل ایجابی او قابل انکار است. دلیل اول مربوط به جایگاه علمی و اعتبار

ابوریحان است و نمی‌توان آن را به‌عنوان دلیلی متقن پذیرفت. دو دلیل دیگر او که در تأیید مانویت ابن‌مقفع است نیز پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد. این دو عبارت‌اند از:

۱. ابن‌مقفع به جرم زندقه کشته‌شده و زندیق در مفهوم خاص به پیروان مانی گفته می‌شد. (همان: ۸۶) در این باره باید گفت اساساً بهانه سیاستمداران متوحش در از میان برداشتن مخالفان هیچ‌گاه قابل استناد نبوده و نخواهد بود.

۲. نقل دو داستان از کتاب بوداسف و بلوهر در این باب، نشانگر آشنایی نویسنده با متون مانوی است. (همان) آشنایی با متونی مرتبط با یک عقیده نیز دال بر باور بدان نیست. چراکه در سال‌های حیات ابن‌مقفع به دلایلی نظیر نهضت ترجمه و آغاز بحث‌های کلامی میان مسلمانان، آشنایی با متون مختلف و اندیشه‌های دینی گوناگون تداول داشته است. از طرف دیگر همه چهار دلیل سلبی انوری در رد مانویت ابن‌مقفع است. در مجموع مقایسه دلایل ایجابی و سلبی انوری از نظر کمی و کیفی نشانگر آن است که او نه با مانوی بودن ابن‌مقفع موافق است و نه با استناد باب برزویه بدو. در ادامه انوری قرابت‌های باب برزویه و فرهنگ کهن هند را برشمرده و می‌گوید: «کسی که این باب را نوشته بایستی با متون کهن هند آشنایی می‌داشته و این برزویه طبیب می‌توانسته باشد که سال‌ها در هند بوده و کتاب‌هایی از آنجا آورده است.» (همان)

در دو مقاله نیز روایت‌های مشابه با برخی از داستان‌های کلیده آمده است. کزازی در مقاله‌ای با عنوان «برزویه طبیب و آیین جین» به مقایسه روایت تمثیل «مردی در چاه» در کلیده و یکی از آیین‌های کهن هند پرداخته است. در مقاله‌ای دیگر تمثیلات مانوی در ادبیات منثور فارسی و از جمله کلیده و دمنه مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفان تمثیل‌های بازرگانی که جواهر بسیار داشت، سه ماهی، خرگوش و کبک انجیر و... را از نظر درون‌مایه و هدف با روایت مانوی آن مقایسه کرده‌اند و مدعی‌اند خاستگاه مانوی این تمثیلات اثبات‌شده است. (ر.ک فولادپور، ۱۳۹۴) در برخی موارد روایت منشی و بخاری از این تمثیل‌ها اندکی متفاوت است و از آنجا که فاصله این دو ترجمه مکانی بوده و نه زمانی، بررسی این تصرفات و علل آن‌ها می‌تواند در شناخت دو مترجم و محیط آن‌ها مؤثر باشد.

غالب پژوهش‌های صورت گرفته در تاریخ کلیده نگاهی کلی بدین موضوع داشته‌اند و تعداد کمی از مقالات به یک ترجمه یا مآخذشناسی یک داستان نظر داشته است.

۳-۲-۲: نقد

مجموع شصت‌ودو مقاله‌ای که در این زمینه نگارش یافته را می‌توان در چهار دسته تقسیم نمود:

نقد مصححان کلیله	۲۵ مقاله
نقد ترجمه نصرالله منشی	۱۹ مقاله
نظریه‌های ادبی	۱۵ مقاله
نقد آثار در پیوند با کلیله‌ودمنه	۳ مورد

۳-۲-۲-۱: نقد مصححان

غالب منتقدان به تصحیح قریب و مینوی نظر داشته‌اند. (هرکدام در ده مقاله) یگانه منتقد تصحیح قریب، علامه فرزانه است. در مجموع، هفت مورد از سلسله مقالات او بدین امر اختصاص یافته است. (ر.ک: فرزانه، ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ و ۱۳۱۸ و ۱۳۳۲ و ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵) با تصحیحی که مینوی در سال‌های بعد از کلیله ارائه می‌دهد، اقبال به تصحیح قریب و متعاقباً نقدهای فرزانه رو به کاستی می‌رود. چنانکه هیچ محقق نقدهای قریب بر این تصحیح را مورد ارزیابی قرار نداده است.

در سال‌های بعد (۱۳۳۶) یکی از خوانندگان مجله یغما سؤالی از فرزانه درباره مرجع ضمائر بیت عربی «و اشجار سرو بینهن کان مشت...» می‌پرسد و همچنین نظر فرزانه را در تصحیف واژه «شیخ» در ابتدای باب حمامه مطوقه رد می‌کند و معتقد است این واژه «شیخ» بوده و نه «شیخ». فرزانه در دو شماره بعد همین مجله بدو پاسخ می‌دهد و پس از آن مینوی در همین مجله به رد نظر فرزانه در هر دو موضوع می‌پردازد. گفتنی است آنچه مینوی در تصحیح صورت بیت عربی آورده، با آنچه بعدها در کتابش آمده متفاوت است. همچنین درباره واژه «شیخ» نیز معتقد است این واژه در نسخه ابوالعالی بی‌شک «شیخ» بوده و با استناد به متن سریانی احتمال می‌دهد در نسخه عربی «شیئا» بوده باشد. (ر.ک: بی‌نا، ۱۳۳۶؛ فرزانه، ۱۳۳۶؛ مینوی، ۱۳۳۶) به نظر می‌رسد مینوی توضیحات فرزانه را به‌درستی درنیافته باشد. منظور فرزانه از شیخ، چیزی موهوم و برخاسته از وهم و هراس آهوست و نه چیزی غیرواقعی. ضمن آنکه مینوی به آمدن لفظ «شبحا» در دو نسخه عربی نیز اشاره دارد، احتمال واژه «شیئا» نیز دور از نظر نیست. در ده مقاله نیز تصحیح مینوی نقد شده است. تا پیش از وفات مینوی (۱۳۵۵) یک مقاله در ارتباط با این تصحیح به چاپ می‌رسد که متضمن تمجید از مینوی است و اشاره‌ای کوتاه و محتاطانه به مسامحات او دارد. (ر.ک: پروین گنابادی، ۱۳۴۶)

به نظر می‌رسد پروای از واکنش‌های تند مینوی، منتقدان را به نقدی محتاطانه و یا خاموشی واداشته است. همچنان که مهدوی دامغانی نیز آن‌چنان‌که در مقدمه مقاله خود اشاره دارد، انتشار مقاله خود در این باب را به سال‌های پس از حیات مینوی موکول نمود.

فرزان از جمله محققانی است که علاوه بر تصحیح قریب، به تصحیح مینوی نیز نگاهی نقادانه داشته است. اما از آنجا که یادداشت‌های انتقادی وی صورت مقاله نداشته و بعدها توسط محمد روشن در قالب کتاب عرضه شد، از حیطة بررسی ما خارج است. اما در ارتباط با این یادداشت‌های فرزان دو مقاله به چاپ رسیده است. یکی از آن‌ها مقاله جواد مرتضایی (۱۳۸۰) است که به ردّ برخی از نظرات فرزان پرداخته است. وی همچنین به موارد جدیدی که از نظر هر دو مصحح (مینوی، قریب) مستور مانده نیز اشاره دارد. البته او این موارد را در بخش‌هایی جداگانه نیاورده و همین امر تا حدودی سبب گمراهی خوانندگان می‌شود. آنچه وی در ردّ نظرات فرزان آورده است در برخی موارد پذیرفتنی می‌نماید. نظیر آنچه در واپس خزیدن خرچنگ آورده و فرزان از آن اظهار بی‌اطلاعی کرده (همان: ۵۵) و یا غفلت فرزان از دوجانبه بودن وزن «مفاعله» در واژه‌های «مواصلت» و «مصاحبت» (همان: ۶۰)

اما در پاره‌ای موارد نیز انتقادهای او قابل پذیرش نیست. نمونه آن واژه «ورغ» در مصرع «مه را چه ورغ بندد از صد چراغ دان» است. مینوی این واژه را به معنی «روشنی و فروغ» دانسته و ظاهراً به جهت تناسب با «ماه» و «چراغ‌دان» این معنی را برگزیده است. فرزان این واژه را به صورت «ورغ بستن» در نظر داشته و معتقد است این معنی زیباتر و بلیغ‌تر می‌نماید. در مقاله مذکور آمده است: «اما نظر مرحوم مینوی هم که ... آن‌گونه که استاد فرزان فرموده است غلط و نادرست نیست، بلکه صحیح و درست است.» (همان: ۴۶) و سپس «بستن» را در معنی «حاصل شدن» دانسته است. با تأمل در قول فرزان مبرهن است که ایشان نظر مینوی را نیز صحیح اما نه «بلیغ» دانسته‌اند. واژه «ورغ بستن» آن‌چنانکه فرزان در نظر داشته در بیتی از اسدی نیز آمده است:

به پیشش بر از چوب ورغی ببند
چو بستنی ز ریگش نباشد گزند

اگر مرتضایی ضمن اذعان به صحت قول دو مصحح، ارجحیت نظر مینوی را از جهت مراعات‌النظیر و تناسب «روشنی» با «ماه» و «چراغ دان» می‌دانست، قول وی پذیرفتنی بود. همچنین وی باریک‌بینی و دقت نظر فرزان را در تبیین عبارت «جف القلم بما هو کائن الی یوم‌الدین» دریافته است. مینوی می‌گوید: قلم تقدیر بودنی‌ها را می‌نویسد و بعد از آن دیگر چیز تازه‌ای نوشته نخواهد شد. فرزان درگاهی فراتر معتقد است نه تنها چیز تازه‌ای نوشته نخواهد شد،

بلکه در آنچه نوشته شده نیز تغییری ایجاد نخواهد شد. (همان: ۵۴) مقاله دیگر نیز که به انتقادهای فرزانه پرداخته علی‌رغم آنکه عنوانش «تحلیل و بررسی انتقادهای...» است، فاقد هرگونه تحلیلی است و فقط به نقل انتقادات فرزانه پرداخته است. (ر.ک: بخشائی‌زاده، ۱۳۸۶)

دو منتقد دیگر این تصحیح، غلام‌رضا طاهر و احمد مهدوی دامغانی هستند. نقدهای مهدوی دامغانی که در باب مسامحات لفظی و معنوی مینوی و غالباً ناظر به عربیات کلبه است، تأثیر شایانی در بهبود تصحیح مینوی و فهم کلبه دارد. (ر.ک: طاهر، ۱۳۶۰؛ مهدوی‌دامغانی، ۱۳۶۷)

برات زنجانی که گویا از مقالات مذکور خبر نداشته، خود را نخستین منتقد تصحیح مینوی می‌داند. نقدهای او بیشتر حاصل برداشت‌های نادرست وی از این تصحیح است. برای مثال در نقد شرح مینوی درباره عبارت «سماحت طبع به امتناع طلب آن» بدون در نظر گرفتن فحوای کلام و اضافه شدن «سماحت» به «طبع»، مدعی است این عبارت مستقل و به معنی «بخشیده طبیعی آن است که از قبول بخشیده دیگران امتناع کنی» (۱۳۸۷: ۱۰۳) است. علاوه بر آن مشخص نیست «بخشیده دیگران» را چگونه برداشت کرده است. در موردی دیگر نیز مدعی است مینوی در عبارت «از سر شهوت برخیزد تا پاکیزگی ذات به حاصل آید» عبارت «به حاصل آمدن» را «به ترک گفتن» معنی کرده است. (همان: ۱۰۴) این در حالی است که مینوی «به ترک چیزی گفتن» را به عنوان مثال آورده تا تداول کاربرد «ب» در نظیر این افعال در متون کهن را گوشزد کند. (ر.ک: زنجانی، ۱۳۷۵، ۱۳۸۷)

تندروترین منتقد مینوی، مهدی رحیم‌پور است. وی در مقاله‌ای مینوی را به انتحال متهم می‌کند. او معتقد است مینوی از یکی از شروح دوگانه کتاب «شرح اخبار و ابیات و امثال عربی» بهره برده، بدون اینکه بدان اشاره‌ای داشته باشد. به‌زعم رحیم‌پور این انتحال در دو بخش معنی واژه‌ها، نقش دستوری آن‌ها و همچنین در ترجمه عبارات صورت گرفته است. در مورد اول باید گفت معنی واژه‌ها و نقش دستوری آن‌ها غالباً ثابت است و در مواردی خاص محل اختلاف واقع می‌شوند و نمی‌توان در باب این مسائل بر اساس تقدم و تأخر درنقل داوری کرد. مهم‌تر آنکه مینوی در صفحات «ید» و «ک» تصحیح خود بدین شرح اشاره دارد و گویا رحیم‌پور زحمت خواندن مقدمه مینوی را به خود نداده است. همچنین مینوی در یادداشت‌های خود نیز به استخراج مطلبی از شرح ابیات اشاره دارد. (قریب و بهبودی، ۱۳۷۵: ۳۴۵) مقام علمی وی بالاتر از آنی است که به وصمت انتحال آلوده گردد. از سوی دیگر با توجه به آنچه رحیم‌پور در پاورقی پایان مقاله خود آورده و ضمن آن رندانه مینوی را در این‌گونه موارد مسبوق دانسته، می‌توان به غرض‌ورزی وی در نقد تصحیح مینوی پی برد. (ر.ک: رحیم‌پور، ۱۳۸۲)

۳-۲-۲: نقد ترجمه نصرالله منشی

از میان نوزده مقاله‌ای که به نقد ترجمه ابوالمعالی پرداخته‌اند، شانزده مقاله سهم محمد فرزانه است. او در سلسله مقالات خود منشأ اشتباهات کلیله بهرام شاهی را تصرفات ناسخان و مسامحات شخص ابوالمعالی می‌داند و با توجه به متن عربی کلیله و فحوای کلام، هریک از آن‌ها را به صورت جداگانه در مجلات ارمغان (هفت مقاله) و تعلیم و تربیت (نه مقاله) تصحیح می‌نماید. پژوهش‌های فرزانه تحسین برانگیز و نمونه‌ای عالی از تصحیح و تدقیق در متون ادبی است.

۳-۲-۳: نظریه‌های ادبی

در مجموع پانزده مقاله به بررسی نظریه‌های ادبی نظیر پراپ، یونگ و اریک برن و... در کلیله بهرام شاهی پرداخته‌اند. در دهه‌های اخیر بررسی متون ادبی فارسی بر اساس این گونه نظریه‌ها تداول یافته و همین امر منتقدان را در سال‌های اخیر به نقد این گونه مقالات واداشته است. عمده تذکرات آن‌ها درباره عدم توجه به زمینه‌های پیدایش نظریه‌ها، عدم درک درست آن‌ها و... است. از آنجایی که برخی از مقالات مورد بررسی ما نیز توسط این منتقدان مورد ارزیابی قرار گرفته از تحلیل آن‌ها صرف نظر می‌شود. (ر.ک: محمدی کله سر، ۱۳۹۷؛ حیاتی، ۱۳۹۸)

ذکر این نکته ضروری است که کاربرد نظریه‌های گوناگون در بررسی داستان‌های کلیله خود شاهی بر عدم توجه به تطابق نظریه‌ها با متون است و شگفت آنکه بیشتر این پژوهش‌ها نیز به باب «شیر و گاو» و شخصیت‌های آن نظر داشته‌اند. (ر.ک: دهقانیان، ۱۳۹۰؛ رضی، ۱۳۹۱؛ سام خانیانی، ۱۳۹۱؛ تمیم داری، ۱۳۹۳؛ سنچولی، ۱۳۹۳؛ نرماشیری، ۱۳۹۴)

۳-۲-۴: نقد آثار در پیوند با کلیله و دمنه

این بخش متضمن نقد نمایشنامه‌ای از داستان شیر و گاو (مینوی، ۱۳۴۲)، اتهام راوندی به سرقت از کلیله (کمیلی، ۱۳۸۷) و نقد مقاله‌ای از بستون^{۱۱} (مقربی، ۱۳۳۳) است.

۳-۲-۳: سیاست

همان گونه که پیش‌از این آمد، علی‌رغم تذکرات محجوب، بررسی وجوه سیاسی کلیله از موضوعاتی است که خیلی دیر مورد توجه قرار گرفت و تا سال ۱۳۸۵ مغفول می‌ماند و سال‌های بعد هجمه بدان آغاز می‌شود و در فاصله زمانی کمتر از ده سال (۱۳۸۵-۱۳۹۴) بیست و سه بار

بدین موضوع پرداخته می‌شود. در میان این مقالات دو ویژگی غالب است: نخست نگاه به مکاتب سیاسی غربی و دیگر آماده‌سازی این دسته از مقالات برای همایش‌ها. مجموع این بیست‌وسه مقاله را می‌توان در پنج دسته فرعی تقسیم نمود:

۱. مقایسه اندیشه‌های سیاسی کلیله با نظریه‌های غرب «کنسرواتیزم، لیبرالیزم، الیتیزم و...» (هفت مورد): به جهت همگامی سیاست و اخلاق در کلیله و مکتب ماکیاولیسم، بیشتر مقاله‌ها به این نظریه اقبال داشته‌اند. همچنین غالب این نوع مقالات برگرفته از رساله دکتری خدیجه اطمینان است. (چهار مورد). نویسندگان این گونه مقالات نخست به معرفی مکاتب پرداخته و سپس معادل آن اندیشه‌ها را در کلیله بازایی نموده‌اند، بدون آنکه تمایزات زمانی، مکانی و غایی طرفین را در نظر داشته باشند. اساس پیدایش این گونه مکاتب، باور به یک اصل از میان اصول مختلف و هدف‌گذاری و عمل کردن بر اساس آن است. حال مصداق یابی هر یک از این باورها در اثری که تنها تناسب با این مکاتب وجه سیاسی آن است، چه ضرورتی دارد؟ و آیا در شناخت اساس اندیشه‌های سیاسی کلیله مؤثر است؟ اوج این ناهماهنگی‌ها در مصداق یابی‌ها هویدا است. آنجا که متناسب با موضوع مقاله، شیر در داستان «کلیله و دمنه» یک‌بار مصداق کنسرواتیزم می‌شود و بار دیگر مصداق الیتیزم، یا مکر و حيله که از مفاهیم بنیادین کتاب کلیله است، در یک مقاله از مصادیق ماکیاولیست دانسته می‌شود و در مقاله دیگر از مصادیق پراگماتیسم.

همچنین غالب این مقالات به داستان «شیر و گاو» نظر داشته‌اند و توجه نهندندان آن‌ها به باب «بومان و زاغان» یکی از سیاسی‌ترین باب‌های کلیله، سؤال برانگیز است. (ر.ک: اطمینان، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸؛ آهی، ۱۳۹۳؛ رضوانیان، ۱۳۹۴؛ محمودی، ۱۳۹۳)

۲. مقایسه اندیشه‌های سیاسی کلیله با دیگر آثار ادبی «مرزبان‌نامه، سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، گلستان و تاریخ بیهقی» (پنج مورد) و از این میان اقبال به مرزبان‌نامه و سیاست‌نامه نیز بیش از دیگر آثار است. غالب مقالات تنها به یکی از این آثار نظر داشته‌اند و تنها مورد استثنا مقاله «بررسی تطبیقی آیین مملکت‌داری در قابوس‌نامه...» است. این مقاله از آن رو که عنوانی جزئی و گویا دارد و در محتوا نیز به وجوه اشتراک و افتراق این آثار در موضوع موردنظر پرداخته، کیفیتی بهتر از سایرین دارد و این از مواردی است که در دیگر محققان کمتر بدان توجه داشته‌اند. (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۰؛ ذبیح‌نیا، ۱۳۹۱؛ معینی، ۱۳۹۴؛ مستعلی‌زاده، ۱۳۹۴؛ جلیل‌زاده، ۱۳۹۴)

۳. بررسی یکی از وجوه سیاسی کلیله (شش مورد): این موارد شامل بررسی مدیریت امور نامنتظر و ویژگی‌های رهبری تحول‌گرا هر کدام در یک مقاله است و بیش از همه عنصر قدرت مورد توجه بوده در چهار مقاله بدان پرداخته می‌شود. (ر.ک: ازغندی، ۱۳۸۶؛ حمیدی، ۱۳۸۶؛ دهقانیان، ۱۳۹۰؛ صادقی، ۱۳۹۲؛ صادقی، ۱۳۹۴؛ ایزدیار، ۱۳۹۳)

۴. بررسی اندیشه‌های سیاسی کلیله به صورت کلی (سه مورد): این مقالات پس از برشمردن مواردی نظیر: مشورت، عدالت، عفو و... به ذکر نمونه‌هایی از هریک در کتاب کلیله پرداخته‌اند. از این میان شریف پور سعی نموده با افزودن چاشنی‌ای از اقوال صاحب‌نظران شرقی و غربی، تنوع و بسطی در کلام ایجاد کند که البته غیر ضرور و نامتناسب می‌نماید. (ر.ک: عزیززی، ۱۳۸۵؛ شریف پور، ۱۳۸۷، موسوی، ۱۳۹۱)

۵. بررسی خاستگاه اندیشه‌های سیاسی کلیله (دو مورد): این دو مقاله مؤلفانی یکسان دارد. در مقاله اول نهاد شاهی، عدالت، همگامی دین و ملک، خرد و آرمان‌شهر به‌عنوان مبانی اندیشه‌های ایرانشهری معرفی شده و پس از آن به بازیابی هر یک از آن‌ها در کلیله پرداخته‌اند. در مقاله دوم نیز به دیگر اندیشه‌های ایرانشهری (تسامح و تساهل) و اصول کشورداری اختصاص یافته است. مؤلفان این مقالات نخست گزیده‌ای از اصول کشورداری ایرانیان باستان را تبیین نموده و سپس مصادیقی از آن اصول مورد نظر را در کلیله بازیابی نموده‌اند. اما در این مصداق‌یابی‌ها به خاستگاه داستان‌ها بی‌توجه بوده‌اند و برای مثال به داستان هندی «شیر و گاو» استناد نموده‌اند. جای خالی تصویری جامع از آئین کشورداری ایرانیان باستان و یا اشاره به مسائلی نظیر توجه ساسانیان در برکشیدن افراد مستعد صرف نظر از طبقه اجتماعی آن‌ها و... در این مقالات نمایان است. (ظهیری‌ناو، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴)

در مجموع تفکیک خاستگاه اندیشه‌های سیاسی کلیله، تحولات احتمالی آن‌ها در مقاطع مختلف و یا تقابل اندرزهای سیاسی و عملکرد شخصیت‌ها از موارد مغفول مانده در تاریخ کلیله پژوهی است.

۳-۲-۴. ادبیات داستانی

در بیست‌ویک مقاله به نگارش درآمد در این باب، وجوه مختلف داستان‌های کلیله مانند: توصیف‌ها، ایزودها، مینی مالیسم‌های کلیله و... بررسی شده است. نگاه غالب مؤلفان این دسته بر باب «شیر و گاو» بوده است.

در ارتباط با عناصر داستانی، مقاله‌ای به تطابق عناصر داستانی باب شیر و گاو در کلیله فارسی و عربی پرداخته است. (۱۳۹۰) بحث اصلی مقاله موجز و سودمند است. اما مؤلفان، این وجیزه سودمند را در میان انبوهی از مطالب غیر ضرور، مطول و غیر مستدل گنجانده اند و همین امر موجب پریشانی‌هایی نظیر عدم تناسب عناوین هر بخش با محتوای ذیل آن و یا تضاد در اقوال شده است. همچنین اینکه یک باب از کتاب کلیله مورد بررسی قرار گرفته اما نتایج آن به کل کتاب تعمیم داده شده نیز خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد.

از میان عناصر داستانی کلیله و دمنه، شخصیت‌پردازی بیش از دیگر عناصر مورد ارزیابی قرار گرفته و سه مقاله با عناوین «قصه‌گویی در کلیله و دمنه» (۱۳۷۷) و «شویه و سبک قصه‌گویی و...» (۱۳۹۰) و «تیپ‌سازی و شخصیت‌پردازی در...» (۱۳۹۲) صرفاً به بررسی این عنصر اختصاص یافته است و البته مقاله دوم چیزی جز ترکیب جملات مقاله اول با مقاله «ساختار و ویژگی‌های داستان‌های ایزودیک...» (۱۳۷۷) نیست!

محمد راغب بخشی از مقاله «گسترش پیرنگ در خطوط فرعی...» (۱۳۹۳) خود را به بررسی پیرنگ در روایت‌های مختلف داستان شیر و گاو اختصاص می‌دهد. او مدعی است حضور غیر ضرور و ناگهانی یک شخصیت در داستان‌ها و سپس حذف آن تا پایان، احتمالاً خاص ایرانیان و گونه‌ای از پیرنگ ایرانی بوده و نباید آن را ضعف پیرنگ دانست. این مسأله جالب توجه است، اما اسناد آن به ایرانیان، نیازمند پژوهش‌هایی گسترده‌تر و استدلال‌های بیشتر است. چرا که همه نمونه‌های مذکور در این مقاله به نوعی در پیوند با هند است، جز مرزبان نامه که آن نیز تقلیدی از کلیله است.

در این میان نویسنده مقاله «کلیله و دمنه، تمثیل‌هایی برای کودکان...» (۱۳۹۲) مدعی است تمثیل‌های بازنویسی شده کلیله برای کودکان امروز مناسب نیست. در مقاله او اصل ماجرا مبهم است. آیا داستان‌های کلیله اساساً مناسب کودکان نیست و یا بازنویسی‌های داستان‌های آن موفق نبوده‌اند؟ گویا این ابهام برای مؤلف نیز حل نشده باقی مانده، چرا که در این مسیر دوسویه گام برمی‌دارد و بخشی از این عدم تناسب را به خود کلیله منسوب می‌دارد و بخش اندکی از آن را متوجه بازنویسان می‌داند. باید گفت در این زمینه دو امر بدیهی به نظر می‌رسد: اول اینکه کلیله و دمنه کتابی بوده برای بزرگسالان و نه کودکان و دوم اینکه همه داستان‌های آن قابلیت بازنویسی برای کودکان را ندارد. حتی در بازنویسی آذریزدی نیز پیام برخی از داستان‌ها تناسبی با اصول تربیتی امروز ندارد. اما انکار این عدم تناسب در مورد همه داستان‌های کلیله، منصفانه به

نظر نمی‌رسد. ضمن آنکه ارزیابی کلی بازنویسی‌های داستان‌های کلیله نیز که از نظر تعداد نیز قابل توجه است، صحیح نیست.

یکی دیگر از مقالات جالب توجه در این زمینه، مقاله‌ای است که به مقایسه شیوه روایت در دو ترجمه کلیله (بهرام شاهی و داستان‌های بیدپای) پرداخته است و منتج بدین شود که تفاوت مخاطبان دو اثر، در شیوه روایت آن‌ها تأثیرگذار بوده است. بخاری بیشتر به جنبه‌های داستانی روایت نظر دارد و ابوالمعالی به هنرنمایی در نویسندگی. دو سؤال در باب این مقاله در ذهن خوانندگان مطرح می‌شود: نخست آنکه تا چه حد این تفاوت‌ها برخاسته از پابندی و عدم پابندی مترجمان به متن عربی کلیله است؟ به نظر می‌رسد این مسأله نیز تأثیرگذار بوده باشد. برای نمونه ذکر نام ولایت بازرگان «دستابذ» خاص بخاری نیست و در کلیله عربی نیز آمده است. دوم اینکه نویسندگان معتقدند بخاری درصدد آن است که روایت خود را به وجه شفاهی و لحن گفتاری نزدیک کند. با توجه به این که مأخذ این داستان کلیله، پنج‌تنترای مکتوب است، این ادعای مؤلف ابهام‌برانگیز می‌نماید. (ر.ک: تقوی، ۱۳۹۱)

نتیجه

سیر کلیله پژوهی در ایران را به لحاظ کمی می‌توان به سال‌های پیش از دهه هفتاد و پس از آن تقسیم‌بندی کرد. پیش از این دهه، کلیله پژوهی در ایران سیری افتان و خیزان داشت و پس از آن با رشدی فزاینده مواجه گردید. به طوری که تعداد مقالات در چهار سال ابتدایی دهه نود بیش از ادوار پیشین است.

تحلیل موضوعی این مقالات نیز نشانگر عدم تناسب میان کمیّت و کیفیت پژوهش‌هاست. به طوری که در برخی از موضوعات علی‌رغم پربرگ بودن تحقیقات، حق مطلب به صورت بایسته ادا نشده است. نمونه آن در بررسی عناصر سیاسی کلیله و دمنه و یا تأثیرپذیری مولانا از این کتاب آمده است. افزون بر آن برخی از مسائل در پیوند با کلیله نیز همچنان مغفول مانده است؛ برای مثال: زیباشناسی، نسخه‌شناسی، جنبه‌های فرهنگ و ادب عامیانه، روایت‌های منظوم کلیله و برخی از تأثیرپذیری‌ها نظیر رسائل اخوان‌الصفا یا تصرفات کاشفی از جنبه‌های نامکشوف کلیله است و امید است در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد.

در زمینه تاریخ کلیله و دمنه، پژوهش‌های محبوب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ضمن آنکه برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در ادوار بعدی را باید به عنوان مکملی برای تحقیقات

وی در نظر داشت. نکته تأمل برانگیز در بررسی کیفی مقالات، ناآگاهی پژوهشگران از تاریخ کلیله و دمنه است. با وجود همه تلاش‌های محبوب برای شناساندن کلیله و دمنه و تاریخ آن، هنوز هم غالب محققان ایرانی کلیله و دمنه را اثری هندی می‌دانند. چنان‌که نقد و بررسی نگرش محققان ایرانی به این امر نیازمند پژوهشی مستقل است.

در زمینه نقد تصحیح نیز دو تصحیح قریب و مینوی مورد نظر منتقدان بوده است. محمد فرزانه یگانه منتقدی است که به هر دو تصحیح نظر داشته است. نقدهای وی بر تصحیح قریب به سبب تداول تصحیح مینوی در ادوار بعد، مورد ارزیابی قرار نگرفته است. اما آنچه در نقد تصحیح مینوی آورده است، بارها مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. این نقدها در برخی موارد صحیح و در برخی موارد نیز ناشی از برداشت نادرست منتقدان فرزانه است.

وجه سیاسی کلیله و دمنه نیز در ابعاد متعدد و متنوعی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. نکته قابل تأمل در این دست از پژوهش‌ها عدم توجه محققان به خاستگاه ابواب کلیله و همچنین تمایزات زمانی، مکانی و غایی آنها در مقایسه با نظریه‌های سیاسی غرب است. در مجموع تفکیک خاستگاه اندیشه‌های سیاسی کلیله، تحولات احتمالی آن‌ها در مقاطع مختلف و با تقابل اندرزهای سیاسی و عملکرد شخصیت‌ها از موارد مغفول مانده در این پژوهش‌هاست. در بخش ادبیات داستانی نیز غالب پژوهش‌ها متوجه باب شیر و گاو و عنصر شخصیت‌پردازی است. در این میان چند مقاله با ادعای کشف گونه‌ای ناشناخته از پیرنگ، عدم تناسب داستان‌های کلیله با کودکان و مقایسه مخاطبان کلیله و دمنه و داستان‌های بیدپای رویکردی متمایز از سایرین داشته اند. این ادعاها هرچند بدیع، اما پذیرش آن با اَمَا و اگرهایی همراه است.

یادداشت‌ها:

۱. مشکور، محمدجواد (۱۳۴۱). مقایسه اجمالی پنجتنرا (کلیله‌ودمنه) با ترجمه‌های سریانی و عربی و پارسی. یغما. ش ۱۶۶: ۸۱-۸۹
۲. ترابی، محمد (۱۳۵۲). مثنوی و کلیله‌ودمنه (۱). وحید. ش ۱۲۳: ۱۱۷۷-۱۱۸۳. (۱۳۵۳). ش ۱۲۴: ۵۸-۶۴
۳. سلماسی زاده، جواد (۱۳۵۷). تفسیر یک بیت و تحلیل یک تمثیل از مثنوی معنوی مولوی. وحید. ش ۲۳۴- ۲۳۵: ۱۰۷-۱۰۹
۴. جمالزاده، محمدعلی (۱۳۵۲). فابل در ادب فارسی ۶ گوهر. ش ۱۱ و ۱۲: ۱۱۰۰-۱۱۰۳
۵. آجودانی، ماشالله (۱۳۶۳). وکیل دریا در کلیله‌ودمنه. آینده. ش ۴ و ۵: ۳۷۶-۳۷۷

۶. پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۷). مفهوم پرسپکتیو در کلیله و دمنه و علل حذف فضای سه‌بعدی در نقاشی‌های اسلامی. نشر دانش. ش ۴۷: ۱۸ - ۳۰
۷. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳). آخرین باب کلیله و دمنه. با کاروان اندیشه. تهران.
۸. به جهت دسترسی راحت‌تر، کلیه ارجاعات بر اساس کتاب «درباره کلیله و دمنه» آمده است.

9. Bud
10. De sacy
11. Beeston A.F.L.

منابع

- آهی، محمد، مهربانی‌ممدوح، فاطمه (۱۳۹۳). عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در کلیله و دمنه. متن پژوهی ادبی. ش ۶۱
- ارجی، علی‌اصغر (۱۳۹۲). کلیله و دمنه تمثیل‌هایی برای کودکان یا بزرگسالان. کتاب ماه کودک و نوجوان. ش ۱۹۴
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶). پند نیاکان، آیین حکومت‌داری در کلیله و دمنه. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. ش ۱۱
- اطمینان، خدیجه (۱۳۸۸). الیتیزم و مشابهت‌های مندرج در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه با آن. کتاب ماه ادبیات. ش ۱۴۳
- _____ (۱۳۸۶). کنسرواتیزم و مشابهت‌های مضامین کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه با آن، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۹
- _____ (۱۳۸۷). لیبرالیزم و مشابهت‌های مضامین کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه با آن، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۱۰
- اطمینان، خدیجه، حلبی، علی‌اصغر (۱۳۸۸). ماکیاولیسم و مشابهت‌های مندرج در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه با آن. پیک نور. ش ۱
- افشار، ایرج و کاشیان، ایران ناز (۱۳۴۰-۱۳۹۰). فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی. ج ۱ تا ۱۰. تهران. مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- اقبال، عباس (۱۳۵۲). کلیله و دمنه. فرهنگ ایران‌زمین. ش ۱۹
- انوری، حسن (۱۳۷۹). آیا باب برزویه طیب در کلیله و دمنه نوشته ابن مقفع است. یادنامه دکتر احمد تفضلی؛ اشرف صادقی، علی (گردآورنده)، تهران: سخن.
- ایزدیار، محسن، پشایی‌فخری، کامران (۱۳۹۳). بررسی مفاهیم تعلیمی رهبری تحول‌گرا در کلیله و دمنه، نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی.
- ایندوشیکار (۱۳۳۸). افسانه‌های ادبیات هندی و کلیله و دمنه. دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز. ش ۵۰
- تقوی، محمد، بهنام، مینا (۱۳۹۱). تفاوت راوی قصه‌نویس و قصه‌گو در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه و داستان‌های بیدپای. پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. ش ۱۲
- پروین‌گنابادی، محمد (۱۳۲۷). چند نکته درباره اسلوب نثر کلیله و دمنه بهرامشاهی. پیام نو. ش ۵
- _____ (۱۳۴۶). ترجمه کلیله و دمنه (تصحیح و توضیح مجتبی مینوی). راهنمای کتاب. ش: ۳۷۸
- جعفری، محمد (۱۳۸۵). درباره ادبیات شفاهی افسانه‌های تمثیلی (حیوانات). پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. ش ۴۵-۴۶

- تحصیلی، علی (۱۳۹۰)، خوانشی معاصر از حکایات کلیله و دمنه (بخش اول). نمایش. ش ۱۴۳: ۸۵ - ۹۰. (بخش دوم): ش ۱۴۴.
- تمیم‌داری، احمد، عباسی، سمانه (۱۳۹۳). بررسی ساختارگرایانه باب شیر و گاو کلیله و دمنه بر اساس الگوی کلود برمون. متن پژوهی ادبی. ش ۵۹.
- جلیل زاده رضایی، سپیده (۱۳۹۴). مقایسه اصول برنامه‌ریزی مدیریتی در مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه. همایش جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی.
- جهانشاهی افشار، علی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی ویژگی‌های زنان در «دکامرون» با «سندباد نامه» و «کلیله و دمنه». ادبیات تطبیقی. ش ۱۳.
- حسنی، کاووس، میرصوفی املشی، زهرا (۱۳۹۶). بررسی انتقادی مقالات علمی پژوهشی با موضوع «شخصیت و شخصیت‌پردازی» در ادبیات نمایشی. نقد ادبی. ش ۳۹.
- حمیدی، محمد محسن (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی به روایت کلیله و دمنه. اطلاعات اقتصادی - سیاسی. ش ۲۳۷ و ۲۳۸.
- حیاتی، زهرا (۱۳۹۸). نقد مقالات علمی پژوهشی با موضوع بررسی متون ادبی از دیدگاه زمان روایی ژنت. نقد ادبی. ش ۴۵.
- خراسانی، احمد (۱۳۳۰). یک بحث درباره کلیله و دمنه بهرامشاهی. دانش. ش ۷.
- داریوش، پرویز (۱۳۳۶). سؤالات و احتجاجات. یغما. ش ۱۰۷.
- دهقانیان، جواد (۱۳۹۰). بازخوانی داستان شیر و گاو کلیله و دمنه بر اساس نظریه ساخت شکتی. پژوهش‌های ادبی. ش ۳۱، ۳۲.
- دهقانیان، جواد، نیکوبخت، ناصر (۱۳۹۰). نقد اخلاق‌گرایی در کلیله و دمنه با نیم‌نگاهی به اندیشه‌های ماکیاولی. نقد ادبی. ش ۱۴.
- دولو، فرانسوا (۱۳۸۱). نگاهی اجمالی به نخستین ترجمه‌های کلیله و دمنه. یل فیروزه. ش ۶.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه، سنگگی، سمیه (۱۳۹۱). تعلیم الگوی حکومت در کلیله و دمنه و گلستان سعدی. پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی. ش ۱۳.
- راغب، محمد (۱۳۹۳). گسترش بی‌رنگ در خطوط فرعی داستانی در قصه‌های ایرانی و هندی. نامه فرهنگستان (ویژه‌نامه شبه‌قاره). ش ۲.
- رحیم‌پور، مهدی (۱۳۸۲). از مؤلفی ناشناخته تا استاد مینوی. آینه پژوهش. ش ۷۲.
- رضی، احمد، حاجتی، سمیه (۱۳۹۱). تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه. متن شناسی ادب فارسی. ش ۳۱.
- رضوانیان، قدسیه، غفوری، عفت (۱۳۹۴). تبیین شکاف بین سیاست و اخلاق بر مبنای نظریه ماکیاولی. پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی. ش ۲۵.
- زنجانی، برات (۱۳۷۵). تبلور معانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ش ۱۳۷-۱۳۸.
- _____ (۱۳۸۷). نقدی بر کلیله و دمنه به تصحیح مجتبی مینوی. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی. ش ۱۰.
- سام خانیانی، علی‌اکبر، ملک پایین، مصطفی (۱۳۹۱). تحلیل اساطیری حکایت شیر و گاو در کلیله و دمنه بر پایه نظریه یونگ و نور تروپ فرای. زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز. ش ۲۲۶.

- سنچولی، احمد، کیچی، زهرا (۱۳۹۳). تحلیل شخصیت دمنه با تکیه بر نظریه روان‌شناسی فردی آلفرد آدلر. زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز. ش ۲۲۹.
- شریف پور، عنایت‌الله، محمدی، محتشم (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی در کتاب کلیله و دمنه. دانشکده ادبیات و علوم انسانی باهنر کرمان. ش ۶۹.
- صادقی، مریم و فلاح مغاری، سمیه (۱۳۹۰). تبیین سیاست‌های حکومتی در تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه. نامه فرهنگستان. ش ۴۶.
- صادقی گیوی، مریم (۱۳۹۲). مدیریت سیاسی بر ناسناخته‌ها در کلیله و دمنه. مطالعات نقدادی. ش ۳۰.
- صادقی گیوی، مریم، فرزانه، اکرم (۱۳۹۴). بررسی ساختار درونی قدرت در کلیله و دمنه «داستان‌های شیر و گاو و بوف و زاغ». هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۲). تاریخ ادبیات ایران. ج ۱. تهران. فردوس.
- طاهر، غلام‌رضا (۱۳۶۰). نظری در معنای یک بیت کلیله و دمنه. آینده. ش ۶.
- ظهیری ناو، بیژن، نواختی مقدم، امین، ممی زاده، مریم (۱۳۸۹). سیر و تداوم اندیشه‌های ایرانشهری در کلیله و دمنه. پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ش ۷.
- ظهیری ناو، بیژن؛ ممی زاده، مریم (۱۳۹۴). سیر و تداوم اندیشه‌های ایرانشهری در کلیله و دمنه. دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی.
- عبدالعظیم محمد حسنین (۱۳۳۲). کلیله و دمنه در زبان فارسی و عربی. آموزش و پرورش. ش ۸.
- عزیزی، طاهره (۱۳۸۵). گزیده‌ای از مباحث سیاسی در کلیله و دمنه. علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم. ش ۳۶.
- عزیزی، محمد (۱۳۷۷). قصه‌گویی در کلیله و دمنه. ادبیات داستانی. ش ۴۷: ۶۲-۶۵.
- غ. واثق (۱۳۳۲). کلیله و دمنه. آریانا. ش ۹.
- غفرانی، محمد (۱۳۵۰). نصوص ناسناخته از کتاب کلیله و دمنه. مقالات و بررسی‌ها. ش ۷ و ۸.
- فرامرزی، عبدالرحمان (۱۳۰۴). کلیله و دمنه. ارمغان. ش ۱.
- فرزانه، محمد (۱۳۳۶). درباره کلیله و دمنه (جواب به احتجاج خواننده). یغما، ش ۵.
- _____ (۱۳۱۵). کلیله و دمنه بهرامشاهی. ارمغان. ش ۱۷۶ تا ۱۸۱ و (۱۳۱۶). ش ۶-۷ و (۱۳۱۸). ش ۱.
- _____ (۱۳۳۴). نظری به حواشی کلیله و دمنه. یغما، ش ۹۱: ۵۰۴-۵۱۰ و (۱۳۳۵). ش ۹۳.
- _____ (۱۳۳۱). در اطراف کلیله و دمنه بهرامشاهی، آموزش و پرورش. ش ۱ تا ۳ و (۱۳۳۲). ش ۴ تا ۶ و ۹ تا ۱۲.
- فولاد پور، سیما، شکری فومشی، محمد (۱۳۹۴). بررسی تمثیلات مانوی در ادبیات مثنوی فارسی از آغاز تا حمله مغول. پژوهش‌های ادبی. ش ۵۰.
- قریب، مهدی و بهبودی، محمدعلی (۱۳۷۵). یادداشت‌های مینوی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی
- کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۸۸). برزویه طیب و آئین جین. مطالعات ادبیات تطبیقی. ش ۱۰.
- کمیلی، حامد (۱۳۸۷). راوندی، انتقال یا اقتباس. آینه میراث. ش ۴۳.
- مافی، عباس (۱۳۹۵). فهرست مقالات فارسی مجموعه‌ها (یادنامه‌ها و...). تهران.
- کولاییان، درویش علی (۱۳۸۸). کلیله و دمنه از کجا آمده است. حافظ. ش ۶۳.

- مجتبیایی، فتح‌الله (۱۳۶۳). ملاحظاتی دربارهٔ اعلام کلیله و دمنه. ش ۲.
- _____ (۱۳۹۴). داستان‌های هندی و بودایی در ادب فارسی. اطلاعات حکمت و معرفت. ش ۲: ۵-۱۱.
- _____ (۱۳۷۴). رای و برهن (گزیده کلیله و دمنه). تهران: سخن.
- مجلی زاده، امین و سلمانی، مهدی (۱۳۹۵). کتابشناسی کلیله و دمنه در زبان فارسی. آینه پژوهش. ش ۱۵۷.
- مجلی زاده، امین و طاووسی، مجتبی (۱۳۹۴). کتابشناسی کلیله و دمنه در زبان فارسی، همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۳۶). کلیله و دمنه. فرهنگ ایران‌زمین. ش ۵.
- _____ (۱۳۳۸). دربارهٔ کلیله و دمنه. فرهنگ ایران‌زمین. ش ۷.
- _____ (۱۳۴۱). چند کلمه دربارهٔ کلیله و دمنه و دو باب ترجمه نشدهٔ آن. کتاب هفته، ش ۲۵.
- _____ (۱۳۷۷). باب برزویه، افسر خرد بر تارک کلیله و دمنه. خاکستر هستی. تهران: مروارید.
- _____ (۱۳۹۵). درباره کلیله و دمنه. تهران: خوارزمی.
- محمدی کله سر، علی‌رضا (۱۳۹۷). نقد کاربرد نظریه در مقالات پژوهشی. نقد ادبی. ش ۴۲.
- محمودی، محمدعلی، دهوری، نوید (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل اندیشه‌های سیاسی کلیله و دمنه بر اساس مکتب‌های سیاسی مطرح. مجموعه مقالات اولین همایش میراث مشترک ایران و هند، اعظم لطفی، فرزانه و حسینی اشکوری، صادق (گردآورنده). تهران: موسسه تاریخ علم و فرهنگ.
- مرتضایی، جواد (۱۳۸۰). نگاهی به یادداشت‌های انتقادی استاد فرزنان بر کلیله و دمنه مصحح مینوی. نامه پارسی. ش ۲.
- مستعلی زاد، تهمینه؛ شیخلووند، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی جنبه‌های مدیریتی نصاب الملوک در ادب فارسی با تأکید بر سیاست‌نامه... همایش جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی.
- مشهور، پروین دخت، شاهسونی، زهرا (۱۳۹۰). شیوه و سبک قصه‌گویی و شخصیت‌پردازی در کلیله و دمنه. ش ۱۴.
- معینی نجف‌آبادی، فریبا و محمدی ده چشمه، حمزه (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی آیین مملکت‌داری در قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه. همایش جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی.
- مقربی، مصطفی (۱۳۳۳). مقدمه علی بن شاه بر کلیله و دمنه. فرهنگ ایران‌زمین. ش ۲.
- معین‌الدینی، فاطمه (۱۳۷۷). ساختار و ویژگی داستان‌های ایبزدیک بر اساس کلیله و دمنه. نثرپژوهی ادب فارسی. ش ۴، ۵.
- موسوی، فرج‌الله (۱۳۹۱). جایگاه تاریخی کلیله و دمنه در فرهنگ و تمدن شرقی. مسکویه. ش ۲۳.
- نرماشیری، اسماعیل، ملازهی، نورملک (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی روانکاوانه دو شخصیت کلیله و دمنه. دهمین همایش ترویج زبان و ادب فارسی.
- نصرالله منشی (۱۳۸۴). ترجمه کلیله و دمنه. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۱). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی. تهران: امیرکبیر.
- مهدوی دامغانی، احمد (۱۳۴۱). یادداشت‌هایی دربارهٔ ابیات عربی کلیلهٔ بهرام شاهی. یغما، ش ۱۶۹، ۱۷۱ تا ۱۷۶.
- _____ (۱۳۴۲) ش ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸.
- _____ (۱۳۶۷). یادداشت‌هایی بر کلیله و دمنه (به تصحیح مجتبی مینوی). نشر دانش. ش ۳۱.

- میرحسن شاه (مترجم). (۱۳۵۰). مآخذ کلیده‌ودمنه در سنسکریت و ترجمه‌های دری آن. ادب. ش ۵.
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۶). درباره بیتی از کلیده‌ودمنه. یغما. ش ۱۱۱.
- _____ (۱۳۴۲). نمایشنامه کلیده‌ودمنه (اقتباس علی‌رضا امیرمعز). راهنمای کتاب. ش ۹.
- نقی زاده، فرناز، امیریان، طیبه (۱۳۹۰). بررسی عناصر داستان در کلیده‌ودمنه فارسی و عربی (باب شیر و گاو). پژوهش‌های نقدادبی و سبک‌شناسی. ش ۳.
- هاشمیان، مانلی (۱۳۹۲). تیپ‌سازی و شخصیت‌پردازی در داستان شیر و گاوکلیده‌ودمنه. رشد آموزش زبان و ادب فارسی. ش ۱۰۵.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۵). داروی جان. دیداری با اهل قلم. علمی.

پایگاه‌ها:

(تاریخ مراجعه به سایت‌ها: فروردین ۱۳۹۹)

www.Civilica.com
www.Magiran.com
www.noormags.ir
www.Sid.ir
www.ensani.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی